

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال هفتم، شماره ۱۸۷ / ۲۵ دی، ۱۴۰۱ / ۱۵ ژانویه ۲۰۲۳

آزادی در حقوق بشر



در این شماره می‌خوانید:

آزادی گران‌بهاترین موهبت نوع بشر

خیزش سراسری در ایران، جنبشی برای تحقق کرامت انسانی است

شرط تحقق آزادی، بیرون آمدن از موقعیت رعیت بودن و نشستن بر جایگاه شهروند آزاد است

عدم استقلال قوه قضائیه در ایران و مساله «حق دفاع»

مدافع حقوق بشر «بر قدرت است نه با قدرت»

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: محمد مقیمی، جواد عباسی توللی، آفاق ربیعی زاده

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است
و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

آزادی گران بهاترین موهبت نوع بشر



محمد مقیمی

آزادی مفهومی است که برای همه ملت‌ها در همه اعصار ارزشمند بوده و در همه تحولات مهم تاریخی بخش ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. در واقع، آزادی بزرگترین گوهر وجود بشر است و در پرتو آزادی است که انسان رشد می‌کند و استعدادهایش پرورش می‌یابد. در مقابل، اگر آزادی از انسان سلب شود، به تباهی فرد و جامعه منجر می‌شود. انسان به‌طور طبیعی آزاد، زاده^۱ شده و باید بتواند آزادانه از موهبت‌های جهانی که در آن زیست می‌کند، بهره‌برد. درباره زندگی، نیازها، علایق، توانایی‌ها و استعدادهایش تصمیم بگیرد و از امکاناتی که در طبیعت وجود دارد آزادانه استفاده کند. در این صورت است که شخص رشد می‌یابد و شکوفا می‌شود. وانگهی، رشد فردی به رشد اجتماعی منجر می‌شود. در واقع، می‌توان گفت؛ پیشرفت بشر در گرو آزادی بوده است و هرگونه محدودیت ناروا و غیرعقلانی در طول تاریخ در برابر آزادی به انحراف فرد و جامعه منجر شده است. بنابراین، آزادی از جمله حقوق طبیعی انسان‌ها است.

تعریف آزادی مانند دیگر موضوع‌های علوم انسانی دشوار و شاید محال می‌نماید. چه اینکه انسان، پیچیده‌ترین موجود در طبیعت، موضوع تحقیق در علوم انسانی است. انسان متأثر از زمان، مکان و مولفه‌های بی‌شمار درونی و بیرونی است و همواره در برخی ابعاد در حال تغییر بوده است. افزون بر آن، طبیعت سیال جوامع انسانی چنان است که گاهی موضوعی که در گذشته جزء حقوق یا آزادی‌ها نبوده و حتی ناپسند یا جرم بوده، ممکن است، امروز بخشی از مهمترین موارد حقوق یا آزادی‌های اساسی محسوب شود. بنابراین، تعریف دقیق آزادی دشوار است. ولی یکی از تعاریف ساده که از آزادی شده است، عبارت است از: «انسان می‌تواند هر کاری انجام دهد، تا جایی که به فردی دیگر یا جامعه زیان نرساند». آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی رفت و آمد، آزادی رسانه، آزادی کسب و کار، آزادی تجمع، آزادی سندیکایی، آزادی سیاسی، آزادی مذهبی، آزادی ازدواج، آزادی‌های اجتماعی، آزادی پوشش، آزادی منفی^۲ و آزادی جنسی از مصادیق آزادی هستند. در اسناد بین‌المللی حقوق بشری از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آزادی‌های بنیادین بشر مورد شناسایی قرار گرفته‌اند.

۱- در زبان‌های ایرانی کهن نیز واژه آزاد به معنی «زاده و متولد» است. شاید وابستگی معنایی میان این دو واژه، تایید و تأکیدی بر سرشت آزاد انسان باشد.

2 - Negative liberty

آزادی و اسلام

اگرچه احکامی در اسلام وجود دارد که با آزادی به‌ویژه معنای امروزی آن در تضاد است. اما اصولی عقلی مانند اباحه، جواز، حلیت و برائت، اصولی هستند که به نوعی بر آزادی تأکید دارند. اصل اباحه و برائت مبتنی بر بنای عقلاً^۳ هستند که اسلام نیز آن‌ها را امضاء کرده است. نگارنده بر این باور است که در راستای امضاء اصول اباحه و برائت از سوی اسلام، دو اصل جواز و حلیت از دو اصول اباحه و برائت اقتباس شده‌اند. به نظر می‌رسد، پیش از اسلام از طریق آزمون و خطا، تجربه و بنای عقلاً اصولی در میان اعراب وجود داشته که در زمان خودش بسیار مفید و گاهی متریقی بوده است. بویژه اینکه سرزمین حجاز (بخشی از عربستان کنونی که خواستگاه اسلام است) و شام (سوریه، لبنان، اردن، فلسطین و قبرس) محل تجارت بوده و شغل بسیاری از مردمان این مناطق تجارت بوده است. بنابراین، قواعد حقوقی مربوط به تجارت (در فقه بدان معاملات می‌گویند) در این مناطق بسیار رشد کرده بود. به نظر می‌رسد، با پیدایش اسلام و نگاه قدسی به این قواعد، ادامه تغییر و رشد قواعد یادشده متوقف شده است.

یکی از مهم‌ترین مباحثی که همواره درباره آزادی بیان می‌شود، این است که دامنه آزادی‌های انسان تا کجا ادامه پیدا می‌کند؟ آیا انسان آزاد است هر کاری انجام دهد؟ یا آزادی انسان با محدودیت‌هایی روبرو است؟ اگر آزادی با محدودیت‌هایی مواجه است، این محدودیت‌ها چه هستند و میزان‌شان چقدر است؟ آزادی گران بهاترین موهبتی است که طبیعت در نهاد انسان قرار داده، انسان آزاد آفریده شده؛ و همه نوآوری‌ها، پیشرفت‌ها و دستاوردهای بشری در پرتو آزادی تحقق یافته است. بنابراین آزادی یکی از حقوق بنیادین بشر است که همواره در طول تاریخ با وجود انواع محدودیت‌ها و چالش‌های اجتماعی، سیاسی و غیره با انسان بوده است. ولی هیچ حق یا اصلی مطلق نیست و با محدودیت‌هایی روبرو است. بطور کلی، استیفای حق یا آزادی عمل از سوی یک شخص، نباید موجب زیان اشخاص دیگر یا جامعه شود (اصل آزار)^۴. از سویی دیگر، اصول حقوقی باید مبنا قرار گیرند، گسترش یابند و به‌صورت موسع تفسیر شود و موارد خلاف اصل باید به عنوان استثنائات در نظر گرفته شوند و به‌صورت مضیق (محدود) تفسیر گردند. در غیر این صورت، تخصیص اکثر رخ می‌دهد و استثناء، جای اصل را می‌گیرد که به تباهی می‌انجامد. بنابراین، اصل بر آزادی است و محدودیت‌های (استثنائات) آن باید تفسیر مضیق (محدود) گردد. این استثنائات را تنها قوانینی که به‌طور دموکراتیک و با توجه به اصول حقوقی که بر اساس تجربه جوامع انسانی وضع شده باشد، می‌تواند مشخص کند.

۳- بنای عقلاً، اصطلاحی فقهی است، به معنای روش عملی خردمندان بر انجام دادن یا ترک کاری بدون دخالت و تأثیر عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و گروهی است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: محمد جعفر جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، ج ۲، ص ۶۰، تهران ۱۳۷۵، جلد دوم، ص ۶۰.

۴- آفریده به معنای مذهبی آن، مورد نظر نیست.

امید شمس: خیزش سراسری در ایران، جنبشی برای تحقق کرامت انسانی است



جواد عباسی توللی

مارکسیست-لنینیستی وجود دارد، مطابقت ندارد و طبق تعریف، در این خیزش، یک جزیب پیشتانز که جامعه را به سمت یک انقلاب پیش برده باشد و رهبری آن را برعهده داشته باشد، وجود ندارد. از سوی دیگر، باید گفت این خیزش، یک انقلاب با مختصات ناسیونالیستی یا ملی گرایانه هم نیست. بدین معنی که با انگیزه‌ها و خواست‌های ملی گرایانه و مبتنی بر بیرون راندن یک نیروی خارجی یا رها شدن از استعمار خارجی شکل نگرفته است.

به نظر من، خواسته‌های قاطبه مردمی که در خیزش جاری در ایران حضور دارند، به عنوان نقطه مرکزی این انقلاب، مشتمل بر مفاهیم انسانگرایانه یا اومانیستی است. شعار «زن زندگی آزادی» به عنوان شعار محوری این جنبش، چیزی است که مجموعه مردم را به دور یکدیگر جمع کرده و سازماندهی کرده است. طرح این شعار در جامعه‌ای که در آن، مفهوم انسان به طور کلی، به یک مفهوم ثانویه در مقابل خدا، دین و نهایتاً نمایندگان و مدعیان نمایندگی خدا و دین تبدیل شده است، نشان می‌دهد که هدف مردم از شرکت در این خیزش، مساله کرامت انسانی یا Dignity یا شکلی از انسان‌گرایی است.

با توجه به این مختصات می‌توان گفت بله، این انقلاب، انقلابی است که در مرکزیت آن یک مفهوم حقوق بشری وجود دارد چرا که مساله کرامت انسانی یک مفهوم بنیادین در فرمول بندی و ساخت‌های بنیادین نظام حقوق بشر بین المللی است.

همه آنچه که در منشور حقوق بشر سازمان ملل مندرج شده و همچنین مفاد مندرج در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق جهانی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، برای این است که مساله کرامت انسانی به طور خاص، محافظت و ضمانت شود.

در خیزش جاری در ایران، موضوعی که در واقع مردم را برآشفته، نادیده گرفتن کرامت انسانی یک زن بود. آن رخدادی که منجر به آغاز این انقلاب شد، خود متضمن مجموعه‌ای از نقض‌های حقوق بشری است که نتیجه نادیده انگاشتن کامل مفهوم کرامت انسانی است. مسائلی مانند شکنجه، نقض حق حیات،

با شروع خیزش سراسری در شهریور ۱۴۰۱ در ایران که با قتل مهسا امینی به دست مأموران امنیتی آغاز شد، چرخشی مهم در اعتراضات مردمی علیه حکومت ایران روی داده است. اعتراضات جاری در ایران با وجود خشونت بی سابقه‌ای که مأموران امنیتی حکومت علیه مردم به کار گرفته‌اند اما نمایش شورانگیزی است از اراده و شجاعت مردمی که عزم خود را برای تغییر وضعیت موجود و تحقق همه حقوق از دست رفته خود جزم کرده‌اند.

در ماه‌های اخیر، اعتراض برای پاسخگو کردن حکومت ایران درباره قتل مهسا امینی، به مطالبات دیگر در جای جای ایران گره خورده است.

آیا خیزش سراسری جاری در ایران را می‌توان جنبشی مبتنی بر مطالبه حقوق بشر دانست؟ آیا می‌توان خیزش سراسری مردم در ایران را به طور مشخص، یک جنبش حقوق بشری دانست؟ تعریف آزادی در حقوق بشر چیست؟

امید شمس، نویسنده و حقوق دان، در گفت‌وگو با مجله حقوق ما، به این پرسش‌ها پاسخ داده است.

به نظر شما، آیا خیزش سراسری جاری در ایران را می‌توان جنبشی مبتنی بر مطالبه حقوق بشر دانست؟

به اعتقاد من، خیزش سراسری‌ای که در ایران در جریان است، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. بدین معنی که قابل مقایسه با آن تصویری که از انقلاب در طول تاریخ ایران یا خیزش‌های مختلفی که در کشورهای منطقه داشته‌ایم، نیست.

از یک سو، این خیزش سراسری، یک انقلاب مارکسیست-لنینیستی نمی‌تواند باشد. یعنی با آن تعاریفی که از یک انقلاب



نقض حق آزادی و امنیت انسان.

همه این موارد با هم در این خیزش مردمی دیده می‌شود و خواست مردم برای تغییر وضعیت موجود هم، بر محور به دست آوردن همه حقوق بنیادین حرکت می‌کند.

به نظر شما، آیا می‌توان گفت در ایران، به طور مشخص، جنبش حقوق بشر وجود دارد؟ اگر بله، این جنبش اکنون در چه وضعیتی است؟

بله، به طور قطع می‌توان گفت در ایران جنبش حقوق بشر وجود دارد. البته به این موضوع هم بستگی دارد که جنبش را چگونه تعریف کنیم. به نظر من، به جرات می‌توان گفت بله، یک جنبش بسیار ریشه دار حقوق بشری در ایران وجود دارد اما در کنار آن اگر بخواهیم ارتباطش را با این خیزش در نظر بگیریم، باید این را در نظر گرفت که دلیل اصلی وجود این جنبش ریشه دار حقوق بشری، این است که در ایران، جامعه‌ای وجود دارد که به طور ویژه و نظام‌مند در آن حقوق بشر نقض می‌شود و حکومت هم هیچ احساس مسئولیت و احترامی در قبال حقوق بشر و همچنین در قبال تعهدات بین‌المللی و کنوانسیون‌ها و پیمان‌های حقوق بشری‌ای که امضا کرده و متعهد به اجرای آنهاست، قائل نیست.

حتی در حوزه مبارزات صنفی هم نهایتاً آن چیزی که به عنوان مطالبات محوری آن نیروها وجود دارد، به نوعی با حقوق بشر مرتبط است. از جمله حق کار و حقوق دیگر که می‌تواند ذیل حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق جهانی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعریف شود.

اما پرسشی که ممکن است مطرح شود این است که آیا خیزشی که در ایران در جریان است، به طور آگاهانه به عنوان یک جنبش حقوق بشری خود را بازنمایی می‌کند؟ من نمی‌توانم این را با قاطعیت تایید کنم. چرا که فکر می‌کنم با وجود اینکه مطالبات محوری این خیزش سراسری، مطالبات حقوق بشری است اما این خودآگاهی، در بخشی از نیروهایی که درگیر این

جنبش هستند به ویژه نیروهای سیاسی، متأسفانه وجود ندارد. بدین معنی که این نیروها متوجه اهمیت مساله حقوق بشر در شرایط موجود و در این خیزش نیستند و مرکزیت آن را مورد توجه قرار نمی‌دهند.

از دیدگاه شما حق آزادی در حقوق بشر چیست؟

مساله آزادی در ساختار بین‌المللی حقوق بشر، یک مفهوم یک‌پارچه و تکی نیست. آزادی در قوانین بین‌المللی حقوق بشر، به مجموعه‌ای از آزادی‌ها تقسیم شده و اگر بخواهیم مفهوم آزادی را به زبان فارسی برگردانیم، فقط به مفهوم آزادی نیست بلکه مفهوم رهایی را هم شامل می‌شود. برای مثال، به زبان انگلیسی، عبارت Freedom from torture به کار می‌رود که

معنای آن، حق رهایی از شکنجه است. یعنی حقی برای افراد قائل است و آن حق این است که از شکنجه و تهدید وجود شکنجه در جامعه انسانی باید رها باشند. به عبارت دیگر، مفهوم آزادی هم مفهوم سلبی دارد و هم ایجابی. یکی از اصلی‌ترین این مفاهیم، رهایی از تهدیداتی است که علیه کرامت انسانی وجود دارد مانند همان رهایی از شکنجه، رهایی از بردگی و رهایی از کار اجباری. همچنین، بخش دیگری از آن بر آزادی‌های ایجابی دلالت دارد. مانند آزادی بیان، آزادی تجمعات و آزادی حق تعیین سرنوشت. در کنار اینها یکی از تکین‌ترین جلوه‌های آزادی که در نظام بین‌المللی حقوق بشری وجود دارد مفهوم حق تعیین

سرنوشت است. یعنی باقی و مجموعه دیگری از آزادی‌های مندرج در نظام حقوق بشر، می‌تواند ذیل مفهوم حق تعیین سرنوشت قرار بگیرد. افراد در همه جای جهان، برای اینکه حق تعیین سرنوشت داشته باشند، باید حق آزادی بیان، حق آزادی تجمعات، حق آزادی تشکیل سازمان‌ها و احزاب آزاد را داشته باشند. همچنین باید از تهدید شکنجه از تهدید زندان و قتل و تهدید به رفتارها و مجازات‌های فراقانونی و غیرقانونی مصون باشند. به عبارت دیگر، حق تعیین سرنوشت، در واقع خوشه یا مجموعه‌ای از آزادی‌هایی که به رسمیت شناخته شده‌اند را در خود به نوعی متضمن است.

محمد رضا نیکفر:

شرط تحقق آزادی، بیرون آمدن از موقعیت رعیت بودن و نشستن بر جایگاه شهروند آزاد است



جواد عباسی تولی

بشر چیست؟

مجله حقوق ما، با طرح پرسش‌هایی از این دست، با محمدرضا نیکفر، نویسنده و پژوهشگر فلسفه گفت‌وگو کرده است.

برخی مفسران (به ویژه افرادی که حقوق بشر اسلامی را به عنوان آلترناتیو معاهدات بین المللی می‌دانند) مفاد اسناد بین المللی حقوق بشر را مختص مردم کشورهای غربی با همان مختصات طبقاتی، مذهبی و اقتصادی در آن کشورها می‌دانند. این ادعا چقدر درست است؟ تا چه میزان درست نیست؟

این دیدگاهی است مشهور به نسبیت‌باوری فرهنگی. توسل شریعت‌مداران به آن با نفس شریعت اسلامی که خود را دینی جهانی می‌داند، در تناقض است. اگر بخواهند اسلامی ناب سخن گویند، نباید بگویند آن اسناد مختص مردمی دیگر هستند، بلکه باید بگویند باطل‌اند و مظهر کفر، و آنچه شریعت اسلامی می‌گوید درست است. ادیان توحیدی در حالت رادیکال‌شان، ایده‌ی نسبیت‌باور "هر شهری، به نه‌ری" را قبول ندارند؛ آنها فقط خودشان را مقبول می‌دانند. اما به آنچه خودشان هستند، چیزی به اسم حقوق بشر تعلق ندارد.

حق بشر در عصر جدید راه خود را گشوده و به عنوان حق همگانی و جهان‌شمول مطرح شده است. گشودن این راه با تأکید بر حقوقی دیگر میسر شده است، از جمله حق انقلاب، یعنی حق برهم زدن همه‌ی نظام‌های تبعیضی که‌ن که دین پاسدار آنها بوده است.

در این وضعیت، اینکه دین‌ها بیایند و ادعا کنند تبیین ویژه‌ای از حقوق بشر دارند، و آن تبیین را در برابر فهم سکولار بگذارند، نشان دهنده‌ی اهمیت مفهوم حقوق بشر است. به آنها مفهومی تحمل شده، که در اصل در قاموس‌شان نمی‌گنجد. از پیوستن صادقانه‌ی مؤمنان به ایده‌ی حقوق بشر باید استقبال کرد، و این البته منافاتی ندارد برای اینکه

اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق جهانی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون بین المللی منع شکنجه، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و بسیاری دیگر از معاهدات و پیمان‌نامه‌های جهانی، از دستاوردهای مهم بشر، جهت اعتلای حقوق بشر در سراسر جهان است که سران حکومت ایران، به دلیل در تعارض دانستن این معاهدات با شرع اسلام، از ملحق شدن به برخی از آنها خودداری کرده یا از عمل به این تعهدات بین المللی طفره می‌روند.

در حال حاضر مسأله حقوق و آزادی‌های اساسی نوع بشر، یکی از شاخص‌های مهم توسعه انسانی در هر جامعه‌ای است. در ایران اما نقض هدفمند و سازمان‌یافته حقوق بشر و کرامت انسانی، به وجهی مستمر در زندگی شهروندان تبدیل شده است. به نحوی که نقض نظام‌مند حقوق بشر همواره یکی از انگیزه‌های اصلی مبارزات علیه ظلم و بی عدالتی در دهه‌های اخیر در ایران محسوب می‌شود.

سرکوب خشونت بار شهروندان در اعتراضات مردمی در ماه‌های اخیر در ایران، تاکنون منجر به کشته شدن دست‌کم ۵۰۰ تن و مجروح شدن بسیاری دیگر و بازداشت صدها معترض و فعالان جامعه‌ی مدنی شده است که خواستار پاسخگویی نهادهای امنیتی ایران در مورد مرگ مهسا امینی و مطالبات برحق دیگر بودند.

«آیا می‌توان خیزش سراسری مردم ایران علیه حکومت جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر را به‌طور خاص، جنبشی مبتنی بر مطالبه حقوق بشر دانست؟ مفهوم آزادی در حقوق بشر چیست؟ برخی مفسران (به ویژه افرادی که حقوق بشر اسلامی را به عنوان آلترناتیو معاهدات بین المللی می‌دانند) مفاد اسناد بین المللی حقوق بشر را مختص مردم کشورهای غربی با همان مختصات طبقاتی، مذهبی و اقتصادی در آن کشورها می‌دانند. این ادعا چقدر درست است؟ تا چه میزان درست نیست؟ تعریف آزادی در حقوق



یادآور شویم تفسیر حق‌مدارانه از آموزه‌های دینی، که در اصل تکلیف‌مدار هستند، مدیون انقلاب فکری و حقوقی عصر جدید است.

بر همین مبنا، آیا حقوق بشر اساساً جهانشمول است؟ بدین معنی که آیا می‌توان همه مفاد مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی را قابل تعمیم به همه بشر (از جمله بشر خاورمیانه‌ای) دانست؟

بله، جهان‌شمول است.

درباره جهان‌شمولی حق بشری به شکل‌های مختلفی استدلال شده است. یکی از آنها این است: استنتاج جهان‌شمولی حقوق بنیادی بشری از جهان‌شمولی خطر آوارگی.

در جهانی زندگی می‌کنیم که هر یک از ما ممکن است آواره شویم. فرض کنیم رژیم ولایی ایران سقوط کند، عده‌ای از مقامات به خارج بگریزند، از جمله یکی از مدافعان سرسخت حقوق بشر اسلامی. او مثلاً از فرانسه یا آلمان تقاضای پناهندگی می‌کند؛ اما به چه اسمی؟ آیا می‌گوید به اسم حقوق بشر اسلامی به من پناه دهید؟ نه، در عمل مجبور است خود را به عنوان انسانی معرفی کند که در اضطرار قرار گرفته، انسانی که با اسلامیتش یا دیگر دلبستگی‌های ملی و ایمانی‌اش مشخص نمی‌شود؛ حقی برای خود قایل می‌شود به این عنوان که انسان است. انسان به عنوان انسان حقوقی دارد؛ از جمله اینکه از نفس زندگی‌اش دفاع شود، از هرگونه تعرض مصون باشد و از حقوقی برخوردار باشد که عموم انسان‌ها از آنها برخوردارند یا منطقاً باید برخوردار باشند.

چرا؟

حقوق بشر در اینجا در کرامت انسانی متبلور می‌شود. مردم، در درجه نخست زنان، می‌خواهند از موقعیت تحقیرشدگی خارج شوند، این یعنی خواست دستیابی به کرامت انسانی: حق بر بدن، حق آزادی در بیان، در اعتراض، در تشکل، در انتخاب سبک زندگی. اینها همه در کاتالوگ

حقوق بشر می‌گنجند.

از دیدگاه شما، «مفهوم آزادی» در حقوق بشر چیست؟ در اعلامیه‌ی حقوق بشر، آزادی در یک مفهوم بنیادی تعریف شده است، در درجه اول مصون بودن از تعرض به جسم و روان، آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی حرکت. اینها در یک سامان سیاسی-اجتماعی دموکراتیک تحقق

عملی می‌یابند.

شرط تحقق آنها بیرون آمدن از موقعیت رعیت بودن و صغیر تلقی شدن، و نشستن بر جایگاه شهروند آزاد است. همبستگی در آزادی و آزادی در همبستگی، یعنی آزادی اجتماعی تضمین‌کننده‌ی بقا و دوام و ارتقای این ارزش است.

آیا می‌توان خیزش سراسری مردم ایران علیه حکومت جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر را به‌طور خاص، جنبشی مبتنی بر مطالبه حقوق بشر دانست؟ اگر بله،

عدم استقلال قوه قضائیه در ایران و مساله «حق دفاع»



جواد عباسی تولی

نقض شده است؟ این حق، تا چه میزان به رسمیت

شناخته می‌شود؟

حقوق دفاعی متهمان از طریق دسترسی آزاد به وکیل در تمامی مراحل دادرسی اعمال می‌شود که متأسفانه در اعتراضات اخیر در هیچ مرحله‌ای از رسیدگی، این حق برای بازداشت شدگان تامین نگردید. در مرحله تحقیقات مقدماتی که مهم‌ترین مرحله رسیدگی است و پایه و اساس پرونده در این مرحله تشکیل می‌گردد، متأسفانه با محدودیت ناشی از تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مواجه هستیم و متهم در جرایم امنیتی وکیل خود را صرفاً می‌تواند از وکلای مورد تایید و اعتماد رئیس قوه قضائیه تعیین نماید، گویی که وکیل می‌خواهد از رئیس قوه قضائیه دفاع کند، نه موکل خویش.

موضوع مهم دیگر هم این است که قانون این محدودیت را صرفاً در مرحله دادرسی وارد دانسته در حالی که قضات دادگاه‌ها، به خصوص دادگاه‌های انقلاب نیز در خصوص پرونده‌های اعتراضات اخیر از پذیرش وکلا به استناد تبصره ماده مذکور امتناع کردند و عملاً حق دسترسی به وکیل از متهمان در اکثریت پرونده‌های متشکله نقض گردید.

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در روزهای اخیر، با عفو و تخفیف مجازات جمعی از متهمان و محکومان اعتراضات سراسری و همچنین محکومان دادگاه‌های عمومی و انقلاب موافقت کرده است. شما این اقدام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ این «عفو عمومی» تا چه میزان وجاهت قانونی دارد؟ آیا طبق موازین حقوق بشری، بازداشت شدگان اعتراضات اخیر اساساً جرمی مرتکب شده‌اند؟

طبق قانون این یک «عفو خصوصی» است نه «عفو عمومی». عفو عمومی از طریق قانون‌گذاری توسط مجلس اعمال می‌شود اما عفو خصوصی به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و با تایید رهبر اعمال می‌گردد. در خصوص این

طبق اسناد بین‌المللی حقوق بشر، حق برخورداری از وکیل برای همه متهمان در مراجع قضائی، به رسمیت شناخته شده است. به عبارت دیگر، حق داشتن وکیل یا حق دفاع، یکی از حقوق بنیادی انسان‌هاست و هیچ سیستم قضایی قابل قبولی، نباید فردی را از داشتن وکیل محروم کند.

قوه قضائیه ایران اما در طی سال‌ها و دهه‌های اخیر، به انحاء مختلف سعی کرده است تا حق دفاع متهمان را در مراجع قضائی مخدوش کند. از تحت فشار گذاشتن کانون وکلای دادگستری و تلاش برای خدشه وارد کردن بر استقلال این نهاد مستقل گرفته تا اجرای تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری که بر طبق آن تنها وکلای مورد تایید قوه قضائیه به عنوان وکیل، حق برعهده گرفتن وکالت برخی از پرونده‌ها، به‌ویژه پرونده متهمان سیاسی را دارند.

با آغاز خیزش سراسری ۱۴۰۱ علیه حکومت جمهوری اسلامی در ایران و بازداشت گسترده فعالان مدنی و شهروندان، به دست نهادهای امنیتی در سراسر کشور، مراجع قضائی برای تحمیل مجازات‌های سنگین، بیش از گذشته، حق دفاع را از بازداشت شدگان و زندانیان سیاسی سلب کردند.

در جریان اعتراضات مردمی جاری در ایران، سینا یوسفی، وکیل دادگستری و نایب رئیس کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای آذربایجان شرقی، همراه با چند تن از همکاران خود، اقدام به تشکیل «کمیته دفاع از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری» کرد. به دنبال این اقدام، او و چند تن دیگر از اعضای این کمیته بازداشت شدند.

مجله حقوق ما، درباره عملکرد قوه قضائیه ایران به‌ویژه درباره متهمان سیاسی و همچنین مساله «حق دفاع» در مراجع قضائی ایران، با این وکیل دادگستری گفت‌وگو کرده است.

حق دفاع از متهمان تا چه میزان در مراجع قضایی ایران



اقدام هم باید گفت، این یک اقدام فریبکارانه و تبلیغاتی است. نظام برای برون رفت از وضعیت موجود و همچنین برای اینکه پرونده نقض گسترده حقوق بشر که تحت نظارت و بررسی هیات حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر است در مستندسازی دچار مشکل شود، اقدام به این عمل نموده است در حالی که بیشتر افرادی که بازداشت شده‌اند عملاً مرتکب هیچ جرمی نشده بودند که شامل عفو گردند و حق بر تشکیل اجتماعات و اعتراضات یک حق شناخته شده در قانون اساسی خود نظام جمهوری اسلامی است. قسمت مهم و تعجب برانگیز این عفو خصوصی که توسط علی خامنه‌ای تایید شده این است که برخلاف قانون مجازات اسلامی که عفو را صرفاً در خصوص محکومان و افرادی که حکم آنها قطعی شده است قابل اعمال می‌داند، این عفو شامل متهمانی نیز شده است که هنوز قطعی نشده است که اعمال ایشان مجرمانه است و نکته حائز اهمیت دیگر نیز اخذ تعهدنامه یا توبه‌نامه از مشمولین عفو است. یعنی فردی که هنوز اتهامش ثابت نشده است باید توبه کرده و تعهد دهد و در واقع اتهاماتش را قبول کند تا شامل عفو گردد.

عملکرد قوه قضائیه ایران به‌ویژه درباره متهمان سیاسی، تا چه میزان از استانداردهای حقوقی فاصله دارد؟ چه حقوقی از متهمان نقض می‌شود؟

موضوع مهمی که مطرح است این است که اساساً در نظام جمهوری اسلامی، جرمی تحت عنوان جرم سیاسی وجود ندارد. در قانون هم تعریف بسیار محدودی برای این جرم ارائه شده است که هیچ شخصی را در ایران شامل نمی‌شود که بتوان امتیازات مربوط به آن را در خصوص متهمین سیاسی اعمال نمود.

نگاه نهاد قضایی به متهمین این حوزه، امنیتی است و در واقع، در نظام جمهوری اسلامی متهم سیاسی نداریم بلکه متهم امنیتی داریم. موضوعی که واقعیت دارد این است که

قضات در جرایم امنیتی بی طرف نیستند و با زیر پا گذاشتن اصل استقلال و بی طرفی، سمت حاکمیت را می‌گیرند. حق دسترسی به وکیل بسیار محدود است و وکلا با تهدیدهایی که وجود دارد، معمولاً تمایلی به وکالت در این پرونده‌ها ندارند که این امر می‌تواند به شدت حقوق دفاعی متهمین را تهدید کند.

با نگاه تبعیض آمیز دستگاه قضا، برخلاف اصل برائت، در

این پرونده‌ها اصل بر عدم برائت انگاشته می‌شود و دفاع در دادگاهی که اصل را بر عدم برائت گذاشته است بسیار دشوار خواهد بود. بازداشت متهمین این گونه پرونده‌ها معمولاً غیرقانونی و خودسرانه است و برخلاف قانون که گفته است باید دلایلی قوی وجود داشته باشد که شخص بازداشت شود، در این پرونده‌ها اول شخص بازداشت می‌شود و بعد دلایل تحصیل می‌شود. شیوه تحصیل این پرونده‌ها اصل بر عدم برائت انگاشته می‌شود و دفاع در دادگاهی که اصل را بر عدم برائت گذاشته است بسیار دشوار خواهد بود. بازداشت متهمین این گونه پرونده‌ها معمولاً غیرقانونی و خودسرانه است و برخلاف قانون که گفته است باید دلایلی قوی وجود داشته باشد که شخص بازداشت شود، در این پرونده‌ها اول شخص بازداشت می‌شود و بعد دلایل تحصیل می‌شود. شیوه تحصیل

دلایل هم مشخص است، معمولاً از طریق نگهداری در انفرادی به‌صورت طولانی مدت و اخذ اقرار و اعتراف به طرق نامعمول از جمله شکنجه روحی و جسمانی. در کل در این‌گونه پرونده‌ها حقوقی برای متهمین از سوی نظام جمهوری اسلامی متصور نیست و قضات با گزارشات بدون مستند نهادهای امنیتی، اقدام به صدور آرای خویش می‌نمایند.

مدافع حقوق بشر «بر قدرت است نه با قدرت»



آفاق ربیعی زاده

به عنوان مثال، اگر یک قاتل سریالی، ۱۰ زن را به دلیل اینکه به زعم او از حدود عفاف خارج شده‌اند، بکشد، این یک جرم عادی است که یک فرد جانی مرتکب شده است و مطابق قوانین باید مجازات بشود. اما اگر این قتل‌ها به دستور حکومتی انجام شود که به خاطر عقاید و اهداف آن حکومت، دستور قتل این زن‌ها را صادر کرده باشد، آن زمان، این یک جرم حقوق بشری محسوب می‌شود. بنابراین، اینکه چه کسی و با چه هدفی، جرایم را مرتکب می‌شود، موضوع بسیار مهمی در حقوق بشر است.

از این رو، خطاب یک مدافع حقوق بشر همیشه رو به حکومت است. همچنین، یک مدافع حقوق بشر نمی‌تواند در قدرت سیاسی داخل شود و نمی‌تواند هدف از فعالیت‌های خود را کارهای سیاسی بداند. این اولین وظیفه و تعهد یک مدافع حقوق بشر است. به بیان دیگر، مدافع حقوق بشر همواره باید خارج از قدرت سیاسی قرار بگیرد تا بتواند قدرت را نقد کند.

مفسران حکومتی در ایران، از اصطلاح «حقوق بشر اسلامی»، به عنوان بدیلی در برابر موازین بین المللی حقوق بشر استفاده می‌کنند. این ادعا تا چه میزان درست است؟ آیا اسلام با دستاوردهای حقوق بشری هم خوانی دارد؟

اعلامیه جهانی حقوق بشر، موازین مستحکم و شمرده شده‌ای دارد که مورد قبول اکثریت کشورهای جهان قرار گرفته است. پس از تاسیس حکومت جمهوری اسلامی و به دلیل اینکه اعمال و رفتار مسئولان این حکومت با موازین حقوق بشر هم خوانی ندارد و به طور مداوم مرتکب نقض حقوق بشر می‌شوند، سران حکومت ایران به این فکر افتادند که با هر ترفند و حيله‌ای، از این مساله رهایی پیدا کند و با استناد به نسبیت فرهنگی، در صدد ایجاد یک جایگزین برآمدند. در سال ۱۳۶۹ در کنفرانس وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی که در قاهره تشکیل شد، اعلامیه اسلامی حقوق بشر، به تصویب رسید. در آن اعلامیه، کشورهای اسلامی به ابتکار جمهوری اسلامی ایران، اعلام کردند از آنجایی که مسلمان هستند، باید بر طبق موازین اسلامی رفتار کرده و بر همین مبنا اعلامیه‌ای را نوشتند و آن را در مقابل اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار دادند. از آن تاریخ، حکومت ایران همواره سعی دارد اعلام کند که طرفدار اعلامیه اسلامی حقوق بشر است و کارهای این حکومت منطبق بر این اعلامیه است و الزاما اعتقادی به پیروی از اعلامیه جهانی حقوق بشر ندارد.

این استناد اما به چند دلیل نادرست است. دلیل اول اینکه، اگر

نقض فراگیر حقوق بشر در ایران توسط حکومت جمهوری اسلامی، یکی از موضوعات مهمی است که مایه نگرانی جامعه جهانی شده است. حکومت ایران در چند دهه گذشته نه تنها رعایت حقوق بشر را قانونمندتر نکرده بلکه به مرور، با زیر پا گذاشتن تعهدات بین المللی و مکانیسم‌های نظارتی در عرصه حقوق بشر، برای حفظ حاکمیت خود، به اقتضانات حقوق بشری مانند مساله حقوق زنان و حقوق اقلیت‌ها بیش از پیش تعرض و تعدی کرده است.

از طرف دیگر، به دلیل سرکوب سیستماتیک جامعه مدنی و سانسور هدفمند اطلاعات و رسانه‌ها در ایران، امکان و فرصت آموزش کافی در زمینه حقوق بشر برای شهروندان فراهم نیست. دفاع از حقوق بشر در دنیای امروز و جوامعی همچون ایران اما اولویت اساسی دارد و دغدغه‌مندان حقوق بشر و آنان که به دنبال تحقق دموکراسی هستند، دفاع از حقوق بنیادین بشر را همواره در دستور کار قرار داده‌اند.

هر چند ارزش‌های حقوق بشر قابل دفاع است اما باید چگونگی دفاع از آن و همچنین چگونگی تحقق آن را در پیوند با معیارهای حاکم بر جامعه ایران در نظر داشت. مجله حقوق ما در ارتباط با همین موضوع با شیرین عبادی، حقوق دان و برنده جایزه نوبل صلح، گفت‌وگو کرده است.

با در نظر گرفتن این نکته که بسیاری از فعالان مدنی و حتی سیاسی، از عنوان «مدافع حقوق بشر» برای معرفی خود استفاده می‌کنند. به نظر شما مدافع حقوق بشر کیست؟ تعهد و وظیفه او در جایگاه دفاع از حقوق بشر چیست؟

نخست باید بر اینکه تاکید کنم که مدافع حقوق بشر باید پشت سر مردم و به‌ویژه مردم آسیب دیده از یک حکومت جبار، حرکت کند و تلاش کند تا مردم به حقوق از دست رفته و مطالبات خود برسند.

به این دلیل من نام حکومت را می‌برم که نقض حقوق بشر، از طرف حکومت‌ها اتفاق می‌افتد، نه از طرف مردم.



کشورهای اسلامی به خود اجازه می‌دهند که بر مبنای دینی که دارند، اعلامیه حقوق بشر بنویسند، بنابراین پیروان هر دین دیگری هم باید این حق را داشته باشند. از جمله پیروان دین مسیح، یهود، بودائی‌ان و همه ادیان دیگر. اگر چنین شود، در این صورت آشفتگی خاصی در زمینه حقوق و تکالیف دولت‌ها و مردم ایجاد خواهد شد. چرا که ادیان متعددی در جهان وجود دارد.

از طرف دیگر، اعلامیه جهانی حقوق بشر، برآیند همه ادیان و مذاهب است. به عنوان مثال، هیچ دینی در دنیا وجود ندارد که شکنجه را تایید کند یا بر قتل انسان بی‌گناهی صحنه بگذارد. مساله دیگر اینکه کشورهای اسلامی باید متوجه باشند که اگر بخواهند خود را از تبعیت اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر پیمان نامه‌های جهانی بیرون بکشند، در تعامل با کشورهای دیگر و قدرت‌های جهانی‌ای که به این معاهدات بین‌المللی پایبند هستند، متحمل ضرر و زیان خواهند شد.

به‌طور مشخص، به همین دلایل، اعلامیه حقوق بشر اسلامی در کشورهای اسلامی جا نیفتاد و مورد قبول قرار نگرفت و از آن استفاده نشد. فقط حکومت جمهوری اسلامی مصرانه قصد داشت این اعلامیه را اجرا کند و بر همین اساس بود که در ایران کمیسیون حقوق بشر اسلامی تاسیس شد که آن هم موفق نبود. دولت ایران همواره کمیسیون حقوق بشر اسلامی را به عنوان یک نهاد مدنی معرفی کرده در حالی که در زمان تاسیس، رئیس وقت قوه قضائیه، ریاست این کمیسیون را برعهده داشت. به عبارت دیگر، این نهاد توسط قوه قضائیه ایران تاسیس شد. همان‌طور که می‌دانیم، قوه قضائیه، یکی از مهمترین نهادهای ناقض حقوق بشر در ایران است. بنابراین کمیسیون به ظاهر مدنی حقوق بشر اسلامی در ایران، توسط حکومت تاسیس شد و اولین ساختمانی که اعضای این کمیسیون، طی بیش از ۱۵ سال در آنجا دفتر داشتند، یک منزل مصادره شده‌ای بود که از طرف حکومت به این کمیسیون واگذار شده بود. همچنین، در سال‌های ابتدایی آغاز به کار این کمیسیون، به خاطر وعده‌های کاذب حکومت و همچنین بابت پولی که برای این نهاد صرف شد، عده‌ای حاضر به همکاری شدند اما به تدریج از آن فاصله گرفتند. به بیان دیگر، حتی آشی که حکومت پخته بود، از طرف هواداران حکومت هم زیاد مورد توجه قرار نگرفت و از جهت اصولی، این نهاد از کار افتاد.

از طرف دیگر، این پرسش اساسی همواره مطرح بوده است که آیا اسلام می‌تواند حقوق بشر را قبول کند؟ یا اینکه باید مانند

راهی که در سال ۱۳۶۹ رفته‌اند، عمل کنند و یک اعلامیه‌ای نوشته شود؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت، اسلام مانند هر دین دیگری، تفسیرهای مختلفی دارد. به عنوان مثال، در اروپا یک کلیسا مانند کلیسای نروژ، ازدواج همجنسگرایان را به طور رسمی می‌پذیرد و حتی مراسم ازدواج همجنسگرایان را اجرا می‌کند. اما کلیسای دیگری کاملاً این موضوع را رد می‌کند. این در حالی است که اعضای همه این کلیساها، پیرو یک دین و آئین هستند. این مساله در مورد بقیه ادیان و مذاهب هم وجود دارد. بنابراین دین اسلام هم با تفسیر درستی می‌تواند به موازین بین‌المللی حقوق بشر احترام بگذارد و این موازین را اجرا کند. دلیل این صحبت هم این است که باید به وضعیت حقوق بشر در کشورهای مختلف اسلامی نگاه کرد. همه این کشورها شرایط یکسانی ندارند. برای نمونه، در کشوری مانند ایران به خاطر دو تار موی یک زن که بیرون از حجاب اجباری باشد، زنان کشته می‌شوند یا مجازات‌های دیگر در انتظارشان است. اما در کشوری مانند اندونزی که بیشترین جمعیت مسلمان دنیا در این کشور سکونت دارند، زنان با حجاب و بی‌حجاب در کنار یکدیگر در جامعه حضور دارند و حجاب هم به هیچ‌وجه اجباری نیست. یا

در نمونه دیگر، وضعیت زنان در کشوری مانند مالزی، به مراتب بهتر از وضعیت زنان در عربستان سعودی است. در شرایطی که در همه این کشورها مردم مسلمانند، این تفاوت‌ها در وضعیت زنان، از کجا ناشی می‌شود؟ به نظر من، این تفاوت‌ها ناشی از تفسیرها و نگاه‌های مختلف به دین اسلام است. بر همین اساس، دیکتاتورهای اسلامی، از نام اسلام برای اعمال ظلم و ستم به مردم استفاده می‌کنند و ستمگری خود را با اسلام توجیه می‌کنند. دیکتاتورها در برخی از کشورهای اسلامی، دائماً اعلام می‌کنند چون مسلمان هستیم، باید طبق تفسیر ما از اسلام رفتار کنیم. این در حالی است که پاسخ من این است که ما می‌توانیم مسلمان باشیم و بهتر زندگی کنیم.

به نظر شما، ۷۵ سال پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، آیا رعایت حقوق اولیه و اساسی انسان‌ها در سراسر جهان، وضعیت بهتری پیدا کرده است؟

به نظر من، مردم جهان از وضعیت بهتری به نسبت ۷۵ سال قبل برخوردارند. بسیاری از مسائل، به تدریج حل شده است یا مشکلات، نسبت به ۷۵ سال پیش، کم‌رنگ‌تر شده است. اگر به

مساله‌ای مانند برابری نگاه کنیم. آیا برابری بر اساس جنسیت، بهتر نشده است؟ مسلماً بهتر شده است. در حال حاضر، تقریباً در اکثریت کشورهای جهان، زنان از حق رای برخوردارند. امروزه در بسیاری از کشورها، مساله ازدواج همجنسگرایان حل شده یا دست‌کم جرم انگاری نمی‌شود. همچنین دستاوردهای دیگری هم وجود دارد. آیا ۷۵ سال پیش هم دنیا در چنین وضعیتی قرار داشت؟ در مجموع نسبت به ۷۵ سال پیش، وضعیت جهان بهتر شده اما هنوز هم مشکلات متعددی وجود دارد و باید گفت در حال حاضر هیچ کشوری در زمینه حقوق بشر بدون مشکل نیست. حقوق بشر، یک هدف والا و بزرگی است و در حقیقت حقوق بشر را می‌توان مانند خورشیدی تصور کرد که هدف همه این است که نزدیک‌ترین جایگاه به خورشید داشته باشند برای اینکه نور بیشتری دریافت کنند.

هیچ کشوری نیست که در زمینه رعایت حقوق بشر، بدون عیب و نقص باشد و نقض حقوق بشر به درجات مختلف در همه جای جهان وجود دارد. اما در مجموع به نسبت ۷۵ سال قبل، جهان از لحاظ رعایت حقوق بشر، در شرایط بهتری است.



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران / محمود امیری مقدم
سردبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net